

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۳ جنوری ۲۰۱۵

## گمراهان تنظیمی از گله دور!!! طنز کابلی

خانه عوام کابلجان آباد، با زبان شیرین و ضرب المثل‌های شیرین تر از شکرشان!!! یاد طنزهای قندی این مردمان طنز هم به خیر؛ و نمیدانم که کابلیان اصیل همان قسم سرخوش و سرشار مانده اند، یا که بر اثر لیل و نهار روزگار یکسره پژمریده اند؛ چون گلهای همیشه بهار در موسم خزان!!!!!!

به نظر میرسد، که حکومت "عین و غین" - یا بهتر بگوییم، "غین و عین" - تصمیم گرفته است، تا گمراهان تنظیمی را دم نقد خارج قوس بگیرد و بگذارد، که ایشان از گله دور مستی فرموده، یکرنگ "ضرب میل" کرده بروند؛ و یا که مثل منگس ده کله کله خود بزنند. "غینان و عینان" گویا نص و فحوی ضرب المثل مشهور "سگ سور، از گله دور" را درست درک کرده اند!!! جزع و فزع و چغ و پیغ و داد و فریاد و علالا و واویلا و بنگس ایشان هم مثلی که چرت کسی را خراب نکرده است!!!!!!

عجب دنیائی شده، که کلمات و مقولات سر به در استحال زده و مفاهیم و معانی متضاد را به خود گرفته اند:

- یک زمانی، وقتی کلمات "جانی" و "خائن" و "رپوچی" و "وطنفروش" و ... را بر زبان میراندی، حتی تردامنان و آلودگان و مفسدان جامعه هم قد قد خیز میکردند؛ ایشان که شدیدتر از دیگران عکس العمل نشان میدادند؛ در واقع همان مثل "دز سر خود پر داره" را مصداق میدادند.

اما حالا کسی سر این کلمات و ملمات چرت و ری نمیزنه و آگه هزار بار کسی را جانی و خائن و جاسوس و وطنفروش و ... بگوئی، **دُنبِ خر یک بلست اس!!!**

– یک وقتی خلق الله در پس پشت کسی روان میشدند و او را "رهبر" و "قائد" خود میساختند. ولی زمانی شد، که کسانی نام خود را "رهبر" و "امیر" و چی و چی و چی ماندند، و از همه بیشتر در گمراهی و فساد و تباهی غرق گشتند.

و زمانه که پارِ آخر شد، ازین کشتهای سرچپه را من من و تن تن و خروار خروار باید درو کرد!!!

مه، که هیچ گپ "آهین" در گوش سنگینم فرو نمیرود، بدون اینکه همو آش و همو کاسه قدیم را ماکم بگیرم، میخایم و آرزو میکنم، که "گمراه" و "راهبر" عین حیثیت و وقار و اعتبار را داشته باشند؛ ازین خاطر مسأله را در هیئت معادله ریاضی فارمولبندی میکنم:

**راهبر = رهبر = گمراه = گمره**

و همه به "های ملفوظ"، تا دل صرفیان نشکند!!!!!!

نظر به فارمول فیشنی و مُنَزّه و مُنَقَّح و مُنَقَّش بالا، که در صحت و وجاهتش – صد ما شاء الله و استغفرالله منها – هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد، نتیجه میگیرم که:

**گمرهان تنظیمی = رهبران تنظیمی**

آمین؛ یا رب العالمین!!!!